

بررسی کیفی محتوای رابطه مردم به مثابه سوژه تاریخی و دولت جمهوری اسلامی ایران

* ابوالفضل ذوالفقاری^۱ / حسین صابر دمیرچی^۲ / قاسم مشکینی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، فهم و تفسیر محتوای مفهوم مردم در سخنان دکتر روحانی و دکتر احمدی نژاد در مراسمات ۲۲ بهمن می باشد. سوال اصلی نحوه ساخت یافتن مفهوم مردم به عنوان سوژه تاریخی و ماهیت رابطه آن با دولت مشروع، در سخنرانی جشن انقلاب می باشد. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی جهت مشخص نمودن وجوه معنایی متن، سپس قراردادن آنها در قالب کدهای کلیدی و در نهایت کشف و پیوند مقولات برای دست یابی به الگوی ساخته شدن مفهوم مردم در نزد دو رئیس جمهور است. تحقیق حاضر درصدد واکاوی و تبیین مفهوم (مردم) در سخنرانی های روسای جمهور در دو دولت دهم و نهم می باشد. سوال اصلی این است که مفهوم بنیادی مردم در گفتار دو رئیس جمهور از چه ساختی برخوردار بوده و این ساخت چگونه مردم را در شکل گیری تاریخ کلیت ایران به عنوان سوژه تاریخی، وارد صحنه کرده و درباره جایگاه آن مفهوم پرداز می کند. فرضیه مقاله این است که «دکتر احمدی نژاد در برساخت مردم بر ارزش های بصیرت الهی، مقاومت، مظلومیت خلق و عدالت اجتماعی تاکید می کند، در حالی که دکتر روحانی بر حقوق شهروندی، حق نظارت مردم بر دستگاه دولت و آزادی فردی در سطح شخصی و اجتماعی تاکید داشته است. زمانی که بحث به رابطه مردم و دولت های ملی ارتباط پیدا می کند دکتر احمدی نژاد برای ساخت دادن به مفهوم مردم از یک اجتماع متعهد بهره می برد، در حالی که دکتر روحانی از اجتماع مدنی متکثر قانونی برای ساخت دادن به مفهوم مردم استفاده می کند».

واژگان کلیدی: مردم، سوژه تاریخی، اجتماع متعهد، اجتماع مدنی

۱. استادیار علوم اجتماعی، دانشگاه شاهد، Zolfaghariab@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه شاهد، H.saber91@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه شاهد، www.Meshkini.01@gmail.com

مقدمه

ظهور هر حکومتی در عرصه جامعه با شکل‌گیری باور و ذهنیتی خاص در مردم همراه است. تکوین اجتماعی یک حکومت، بدون وجود بستر مناسب ذهنی و روانی آحاد جامعه شکل نمی‌گیرد. گرچه ممکن است تعدادی از حکومت‌ها، آغاز پیدایی خود را بر شکل‌گیری بنیان‌های ذهنی سازگار و بسط‌پشتوانه‌های باورمندانه استوار نسازند و در عوض، غلبه و استیلا را نخستین سنگ بنای ظهور و تکوین خود قرار دهند، اما ناگزیر، تداوم بقای خود و ادامه حیات خویش را در گرو تکیه زدن بر پذیرش قابل‌اعتناء در اقشار و آحاد فراگیر جامعه و مردم می‌یابند (زارع، ۱۳۸۰: ۲۱). تعریف مفهوم ملت در میان نظریه پردازان مختلف متغیر است. به عنوان مثال آنتونی اسمیت^۱ معتقد به نظریه قوم‌گرایانه در پیدایش ملت است؛ گلنر^۲ ملت را محصول گذار از جوامع روستایی ثابت به نظام صنعتی و جوامع متحرک می‌داند؛ برخی دیگر نظریه پردازان وقوع انقلاب فرانسه را که باعث انتقال احراز مشروعیت حکومت به جای سرزمین به مردم شد، مبدأ پیدایش ملت می‌دانند و طرفداران نظریه جهان وطنی تحت تأثیر پدیده جهانی شدن اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اطلاعاتی قائل به عدم محدودیت سرزمینی برای مفهوم ملت هستند. این تفاوت‌ها به قدری است که ریچارد مویر معتقد است که تقریباً تعداد نظریات مطرح شده درباره خاستگاه ملت‌ها، با تعداد نظریه پردازان برابر است (حافظ نیا و

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۶



۱۷۲

1 Anthony Smith
2 Gellner

همکاران، ۱۳۸۸: ۲). ملت ۱ از نظر اسمیت از قومیت‌هایی با عنوان جمعیت انسانی تشکیل شده است که با اسطوره‌ها، تاریخ و فرهنگ مشترک در سرزمینی مشخص مجتمع شده‌اند و حس و اندیشه‌ی همبستگی دارند (سلیمی، ۱۳۹۴: ۵). روسو ۲ در کتاب «قرارداد اجتماعی» دو مفهوم مردم و دولت را در برابر هم می‌گذارد و مردم را از دیدگاه تاریخی می‌نگرد (برناردی، ۱۳۸۲: ۹۳). از آنجایی که اعمال قدرت همواره دو طرف دارد؛ بدون پذیرش یک طرف اعمال قدرت به اقتداری پایدار منتهی نخواهد شد و از زور و اعمال سلطه مستبدانه و حکومتی یکسویه سر بر خواهد آورد که از اساس با منطق درونی حکومت، ناسازگار است. لذا، هیچ حکومتی نیز نمی‌تواند کاملاً مشروعیت حکومت خود را مبتنی بر زور کند؛ اصولاً هر نوع زوری نیز با تلاش در جهت معتبر سازی ذهنی نیز همراه است (زارع، ۱۳۸۰: ۲۲).

حاکمیت هم محصول تاریخ است و هم بوجود آورنده تاریخ. حاکمیت در شکل‌گیری دنیای نو و تفکر دانشمندان و سیاستمداران، نقش اساسی ایفا کرده است. از این رو باید حاکمیت را هم به عنوان یک هنجار و هم به صورت یک عمل در نظر گرفت. حاکمیت چه به عنوان یک اندیشه و چه به عنوان یک نهاد در قلب دولت مدرن جای دارد و با اصلی‌ترین مفاهیم سیاسی مانند قدرت، نظم، مشروعیت و اقتدار مرتبط است. اگر امروزه حاکمیت، کاربرد جهانی پیدا کرده است. توسعه مفهوم حاکمیت و قابلیت کاربرد آن به تقسیم قدرت بین دولت و جامعه بستگی دارد. مفهوم حاکمیت ریشه در همکاری نزدیک بین دولت در حال توسعه و جامعه در حال توسعه دارد. زمانی که معلوم گشت تقسیم قدرت بین این دو گریز ناپذیر است همکاری آن‌ها نیز ضرورت یافت (ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۳-۱۳۴). در فرهنگ سیاسی هر جامعه، ملاک‌ها و معیارهایی وجود دارد که رابطه‌ی شهروندان را با نظام سیاسی حاکم تنظیم می‌کند. به عبارتی هر

1 Nation

2 Rousseau

حکومتی سعی در مشروع جلوه دادن نظام خویش دارد که یکی از این راه ها انتخابات است، مشارکت سیاسی مردم می تواند طیف وسیعی را دربرگیرد که از عدم مشارکت، تا مشارکت حداکثری گسترده است.

تاریخ یک صد ساله معاصر ایران با دو مسئله موازی دست به گریبان بوده است. اول چگونه قدرت دولت را مشروط و محدود به قانون کند؛ دوم، مردم در مشروعیت بخشی به حکومت و اداره جامعه سیاسی از چه جایگاه مشروعی برخوردار باشند(بشیریه، ۱۳۸۳: ۵۸). ظهور انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ۵۷ خود نشان از تلاطم و پویایی جامعه ایرانی برای پاسخ گویی به مسئله ماهیت قدرت و جایگاه مردم به مثابه سوژه فعال و آگاه سیاسی در تاریخ یکصد ساله اخیر است. در فرهنگ سیاسی سنتی، مردم دارای جایگاه موضوعی و در فرهنگ سیاسی مشارکتی، دارای جایگاه فعال در حکومت هستند(احمدیان و اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۱۰). در قانون اساسی حکومت جمهوری اسلامی ایران آمده است: در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید با اتکاء عمومی اداره شود و حقوق آنها محترم شمرده شود(مرادیان و بیگلو، ۱۳۹۱: ۹۳-۹۴). حقوق ملت، مجموعه ای از حقوق طبیعی است که از خصلت عالی انسان ناشی می شود و قانون گذار در تدوین قوانین، حق سلب یا محدودیت آن را ندارد و دولت ها نیز نباید مانعی در مقابل آن ایجاد کنند(سراجی، ۱۳۸۸: ۶). با این همه اگر از منظر اصول جهت دهنده مدرنیته سیاسی، ملت-دولت را در ایران ارزیابی کنیم، ملت-دولت از آسیب هایی رنج می برد(جلایی پور، ۱۳۸۸: ۵۱). زمانی که سیاست ها و تصمیمات اتخاذ شده ارتباطی با خواست های مردم نداشته باشد و مفهوم مردم بصورت پوپولیستی یا خارج از اکثریت و ماهیت اصلی شهروندان که در جامعه فعالیت می کنند باشد، منجر به شکاف بین دولت و ملت می شود که تداوم آن می تواند زمینه ساز بی ثباتی شود. برای همین می توان گفت حسین بشیریه در مقاله خویش با عنوان زمینه های اجتماعی بحران سیاسی در ایران، به زمینه های اجتماعی شکاف فزاینده میان ایدئولوژی دولتی یا هنجارهای رسمی

و از سوی دیگر کردارها و گرایش های عمومی پرداخته که براساس استدلال وی این بحران ها شامل بحران مشروعیت، مشارکت، کارایی و استیلای هژمونیک است. اگر بخواهیم از دریچه مفهوم اساسی آنومی دورکیمی نگاهی به تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران قرن بیستم داشته باشیم، شکاف بنیادی بین حاکمیت و مردم ایجاد شده است (بشپریه، ۱۳۹۴: ۱۳۸). در ایران به طور سنتی، قدرت سیاسی به دلیل داشتن ماهیتی پاتریمونالیسمی و نیز عدم احساس نیاز به مردم به جز در دوره های خاص، همواره یک نگاه از بالا به پایین نسبت به مردم وجود داشته است. اما در ایام ۲۲ بهمن که تلقی مردمی بودن انقلاب وجود دارد، همه مسئولین و بویژه روسای جمهور، احمدی نژاد و روحانی، به طور مستمر از واژه "مردم" استفاده فراوان کرده اند اما برداشت از این مفهوم برای هر دو نفر متفاوت بوده است. تحقیق حاضر درصدد واکاوی و تبیین مفهوم (مردم) در سخنرانی های روسای جمهور در دو دولت دهم و نهم می باشد. سوال اصلی این است که مفهوم بنیادی مردم در گفتار دو رئیس جمهور از چه ساختی برخوردار بوده و این ساخت چگونه مردم را در شکل گیری تاریخ کلیت ایران به عنوان سوژه تاریخی، وارد صحنه کرده و درباره جایگاه آن مفهوم پردازی می کند.

در این نوشتار تفسیری از جایگاه مفهوم مردم در فضای معنایی ایران، در سخنرانی های دکتر احمدی نژاد و دکتر روحانی در جشن های ۲۲ بهمن ارائه داده می شود. مراحل تحلیل محتوای کیفی در نوشتار حاضر در جدول ذیل نشان داده می شود.

روند تفسیر از عینی به انتزاعی	مرحله اول- داده متن مرحله دوم- واحد معنا مرحله سوم- مقولات یا تم ها مرحله چهارم- الگویابی مرحله نهایی- ساخت	فرایند تفسیر از جزئی به کل
-------------------------------	---	----------------------------

گرانهایم و لاندمن به تعریف خود از واحد معنا می پردازند. از نظر آنها، واحد معنا، کلمات، جملات و یا پاراگراف هایی هستند که از رهگذر محتوا و زمینه مفهومی شان شامل جنبه هایی مرتبط با یکدیگر می باشند (G&L، ۲۰۰۳: ۱۰۶) بنابراین واحد معنا، بخشی از متن و یا داده های جمع آوری شده ای است که حامل معنایی است و تحلیلگر با مشخص نمودن آنها تحلیل محتوا را آغاز می کند.

در مرحله دوم، واحدهای معنا توسط برچسب ها و کدهایی از یکدیگر متمایز می شوند. مرحله سوم ایجاد مقوله، ویژگی اصلی تحلیل محتوای کیفی است. یعنی عمل طبقه بندی عناصر سازنده یک مجموعه، از طریق تشخیص تفاوت های آن ها و سپس گروه بندی مجددشان بر اساس شباهت عناصر می باشد. مقولات موضوع ها یا طبقاتی هستند که گروهی از عناصر را زیر یک عنوان نوعی جمع می کند و علت این گردآوری ۱- خصوصیات مشترک، ۲- فراگیری، ۳- طرد متقابل ۴- استقلال عناصر است (۱۳۵: ۱۳۷۴، باردن).

در مرحله بعد، لازم است محتوای مقولات توصیف شوند. در صورت نیاز می توان از فراوانی مقولات و دیگر مطالعات کیفی استفاده کرد. (پیر بذاقی، ۲۹: ۱۳۸۸) در واقع متن به محک مقولات زده می شود و به این ترتیب تحلیلی که از متن می شود با مقولات سنجیده می شود. در کار تحلیل لازم است ارتباطات و پیوندهای بین مقولات را کشف کنیم و پیوندهای زاید را حذف کرده و در نهایت الگوهای ارتباطی منطقی را بین مقولات برقرار سازیم (ابوالعالی، ۴۰: ۱۳۹۱) پس از برقرار نمودن ارتباطات منطقی بین مقوله ها، می توان مقولات را در قالب تم هایی طبقه بندی کرد. تم مفهوم کلی است که حاصل جمع بندی مقوله ها می باشد. تم محوری است که معنای اساسی و مشترک در بین چند مقوله را به هم پیوند می زند (g&L، ۲۰۰۳: ۱۰۷). در تعیین تم ها، تحلیلگر از سطح تفسیری و انتزاعی بالایی بهره می برد. در نهایت، در الگوسازی، تحلیلگر در سطح بالایی از انتزاع و تفسیر، رابطه میان تم ها را می سنجد.



۱. مبانی نظری: مفهوم مردم در اندیشه سیاسی

مفهوم مردم به عنوان شهروندان جامعه، همانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی، ریشه در یونان باستان دارد. اثر ارسطو منعکس کننده اولین کوشش نظامند در شکل گرفتن مفهوم شهروندی به شمار می آید. ارسطو شهروندان را چنین توصیف کرده است: همه کسانی که در زندگی مدنی در حکمرانی و در تغییر قوانین و مقررات موجود سهیم هستند، با این حال آنچه او تصدیق می کند این است که تفاوت میان سیاست ها و حتی تفاوت میان طبقه بندی شهروندان در داخل دولت شهرهای مشابه وجود دارد. او حق شهروندی را در بعضی سطوح مانند حق سهیم شدن در مشورت، منصب و قضاوت توصیف می کند (bellamy, ۲۰۰۸: ۳۲). در آتن، شهروند شدن، داشتن سن ۲۰ سال یا بالاتر و مرد بودن، و هم چنین برخورداری از نسب شناخته شده ای که در یک خانواده شهروند آتنی به دنیا آمده باشد، برای پدر شاه شدن در یک خانواده لازم بود. هم چنین شهروندی بر مبنای جنسیت، نژاد و طبقه تعریف می شد و آنچنان که پیداست، تعداد بیشماری از شهروند بودن محروم بودند (کاظم پور، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

انقلاب فرانسه برای اولین بار مشروعیت حکومت را از شخص شاه به مردم واگذار کرد و عامل اصلی در تشکیل و مشروعیت حکومت رضایت شهروندان در نظر گرفته شد. بنابراین نقش ملت که خود را متعلق به یک «ما» در تشکیل کشور مستقل می دانستند، تبدیل به دولت پایه ای و حیاتی شد. بدین ترتیب گروهی از نظریه پردازان چون ارنست گلنر، کارل دویچ و بندیکت اندرسون ظهور کردند که بر پایه سنت فکری انقلاب فرانسه، سرچشمه یکی از برداشت های اصلی درباره عامل تشکیل دهنده ملت را به وجود آوردند. بر حسب آن سنت به عنوان ویژگی اصلی ملت نه وحدت فرهنگی یا زبانی یا قومی، بلکه وحدت در سازمان سیاسی است (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۷). از نظر کانت، اندیشه عضو دولت مدرن مدنی بودن بر سه اصل استوار است: ۱- آزادی؛ یعنی توانایی پیگیری خوشبختی خود به دلخواه خویش ۲- برابری حقوقی، یعنی، هیچ

کس را نمی توان وادار به کاری کرد مگر به حکم قانون ۳-استقلال؛ به معنی حق رأی در قانون گذاری(برناردی، ۱۳۸۲: ۲۳).

همایون کاتوزیان در کتاب ایران، جامعه کوتاه مدت می نویسد، حکومت در ایران باستان استبدادی بود. فرمانروا و کارگزاران برگماشته را هیچ مجموعه ای از قواعد و سنت ها محدود نمی کرد، مگر سیاست ها و تدابیری که برای حفظ قدرت و اختیارات، یا برای جلوگیری از سقوط و برکناری خوشان ضرورت داشت، برخلاف موقیعت فرمانروایی اروپایی، حتی فرمانروایی مطلق، فرمانروای ایرانی را هیچ قانون یا سنت یا قید و بند زمینی محدود نمی کرد و او می توانست اقتدار خود را با اراده خود تا انجا که توان مادی اش اجازه می داد اعمال کند. شاه نایب خداوند بر روی زمین بود و به هیچ روی برابر افراد و طبقات و مردم جامعه، با هر مایه از فضل و اعتبار و ثروت، ناچار به پاسخگویی نبود، بر جان و مال اتباع یا همان رعیت دست گشاده داشت. آنگاه که فرمانروا خود مظهر دولت و مستقل از مردم باشد، هیچ حق مستقل از شخص او وجود ندارد. بنابراین مردم هیچ نقشی در حکومت نداشته و هیچ قانون یا نظام نامه ای نیست که قدرت دولت را محدود کند. جامعه کوتاه مدت هم معلول و هم فقدان ساختار در ایران بوده است. این فقدان ساختار به نوبه خود نتیجه دولت استبدادی بود که نماینده حکومت خودسرانه فردی و جامعه خودسر است که هرگاه تسلط دولت بر آن تضعیف شود، به آشوب می گراید(کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۳-۴۱). مفهوم فره برای اثبات مشروعیت آسمانی فرمانروایان بعد از اسلام نیز به کار می رفت. فردوسی در برخی از مقدمه هایش بر داستان های گوناگون شاهنامه این واژه را درمورد محمود غزنوی و فرمانروایی او به کار برده است.

به تدریج این تعریف دچار دگرگونی هایی شد و در سال ۱۳۲۴/۶/۱۹۰۶ه.ق. قانون اساسی ایران قواعد و روش کار مبتنی بر قانون برای حکومت تعیین کرد. بدین ترتیب برای نخستین بار در طول تاریخ ایران، حکومت مشروط به مجموعه ای از قوانین

بنیادی تعریف می شد که محدوده قدرت اجرایی را مشخص و به گونه ای دقیق حقوق و وظایف دولت و جامعه را تعیین می کرد. (همان: ۵۹-۷۵)

یکی از پرسش های بنیادین در فلسفه سیاسی و حقوقی که در گذشته های دور تا به حال در حیات اجتماعی و سیاسی بشر مطرح بوده است. جستجو در مبنا و منشأ قدرت و حاکمیت دولت می باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که توأم با مشارکت سیاسی گسترده مردم ایران بود، ایرانیان در همه پرسی سال ۱۳۵۸ نوع حکومت "جمهوری اسلامی" را برای نظام سیاسی جدید تأیید نمودند. موضوعی که بعداً در اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدین صورت شرح حقوقی می گردد: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآنی و در پی انقلاب اسلامی و پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت امام خمینی(ره) در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه سیصد و پنجاه هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاول سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲ کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت دادند» (درخشه، ۱۳۸۳: ۷۰). امام خمینی نیز معتقد بود که ملت خودش است که سرنوشت خودش را به دست دارد. ملت با رأی خودش رئیس جمهوری را تعیین می کند، رئیس جمهوری اسلامی را رأی می دهد و با رأی خودش که متمرکز است در مجلس دولت را تعیین خواهد کرد و همه امور به دست خود ملت است (صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۹). ایشان همچنین می فرمایند تحقق قانون الهی جز از راه تحقق حکومت مردمی یعنی حکومتی که به وسیله ی مردم و از طریق اظهار آرای آنان یا اعلام رضایت آنان تشکیل می گردد، ممکن نیست. از این روی حکومت تشکیل شده مشروعیت خود را به لحاظ تأسیس و ایجاد از مردم جامعه ی خود اخذ می کند ولی به لحاظ هدف و ضرورت تشکیل، اساس خود را اجرای قوانین الهی یا قوانین اسلام می داند. بنابراین در اساس هر دو نوع مشروعیت پذیرفته می شود بدون آنکه بین آن ها تناقض یا

پایه پژوهشی
بررسی کیفی محتوای رابطه مردم به مثابه سوژه تاریخی و دولت جمهوری اسلامی ایران

تعارضی دیده شود. یعنی مشروعیت مردمی است که حکومت را در جهت تحقق قانون الهی و بر اساس حاکمیت الهی (مشروعیت الهی) به وجود می آورد و به آن توانایی اجرا و تحقق قانون را می دهد. بر این اساس نه مشروعیت الهی بدون مشروعیت مردمی عملاً تحقق می یابد و نه مشروعیت مردمی بدون مشروعیت الهی به اهداف خود دست می یابد. علاوه بر این؛ مشروعیت الهی در این نگاه رعایت حقوق مردم و نفی استبداد است (جمشیدی، ۱۳۸۴، ۶۴۴-۶۴۳). براساس چنین تلقی از حق مردم است که در قانون اساسی براساس همه پرسی ۱۳۵۸، بر نقش گسترده مردم در شکل گیری نهادهای نظام و انتخابات آزاد، تأکید شد. طبیعی است لازمه جمهوری، پذیرش و اعتلای حقوق سیاسی مدنی شهروندان بویژه انتخابات بود، چرا که اساس جمهوری تحقق حاکمیت مردم و انتخابی بودن حقیقی رهبران سیاسی با نظر و رأی مردم و از سوی دیگر پاسخگو بودن همه مسئولین در قبال مردم است. در حکومت مردم سالاری، طبق متون کلاسیک، "حکومت مردم بر مردم، برای مردم است" که امروزه از آن با نام حاکمیت آرای مردم نام برده می شود (درخشه، ۱۳۸۳: ۲۳).

۲. سوژه سیاسی

بی شک گرامشی^۱ مهم ترین متفکری است که لاکلاو و موفه^۲ پروژه خویش را با او آغاز کرده اند. آن چه این نظریه پردازان رادیکال را به هم متصل می کند مفهوم هژمونی است که هم مرکز اندیشه گرامشی در سیاست و ایدئولوژی است و هم مقوله مرکزی تحلیل سیاسی لاکلاو و موفه در ترسیم نظریه نوگرامشی گفتمان است. بهترین فهم از هژمونی سازماندهی رضایت یا ایجاد و کسب رضایت، بدون خشونت و رویکرد های سخت افزاری است. از نظر گرامشی هژمونی صرفاً شامل متحدکردن گروه های گوناگون از طریق مفصل بندی نیست بلکه ساخت رهبری سیاسی است که خودش را در ظاهر به



1 Gramsci

2 Laclau & Mouf

عنوان یک فضای بی طرف برای ثبت طیف گسترده ای از خواسته های سیاسی نشان می دهد (ربانی خوارسگانی و میرزایی، ۱۳۹۳: ۳۸). هژمونی تثبیت نسبی معنا پیرامون یک دال برتر است که بر اساس آن با سرکوب بدیل های گوناگون هویت ها به طور نسبی تأسیس می شوند (Martin, 2002, 25). به عبارتی مفهوم هژمونی حول این موضوع است که در ساحت سیاست و اجتماع، چه کسی برتر است. به عبارت دیگر، کدام نیروی سیاسی درباره شکل های مسلط رفتاری در جامعه تصمیم خواهد گرفت (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۰)

آلتوسر^۱ در مقاله ایدئولوژی و دستگاه های ایدئولوژیک دولتی، برخلاف لاکلاو و موفه که معتقدند سوژه یکسره منفعل نیست و در لحظات بی قراری یا از جاشدگی گفتمان مسلط، پوسته موقعیت سوژگی را می شکافند و وارد ساحت سیاسی شده و گفتمان جدید را می افکند، سوژه را مقهور ساختارهای ایدئولوژیک می داند و برای آن استقلال و آزادی عمل قائل نیست. ایدئولوژی با فراخواندن فرد، او را در موقعیت های خاص قرار می دهد و اعمال خاص ناشی از این موقعیت را از فرد انتظار دارد. عملکرد ایدئولوژی چنان است که گویی آن چه را که بر آنان تحمیل می شود چیزی جز اعتقادات، توانمندی ها، و فرهنگ آنان نیست (ربانی خوارسگانی و میرزایی، ۱۳۹۴: ۳۴). لاکلاو و موفه مدعی اند جامعه محصول فرایند های سیاسی و گفتمانی است و قانون روشنی برای تقسیم جامعه به طبقات وجود ندارد. در موضع نظری گرامشی، سیاست جزء روبناست و بر زیربنا اثر می گذارد. اما در نگرش رادیکال لاکلاو و موفه نه صرف اثر سیاست بر زیربنا بلکه آن چه اهمیت حیاتی دارد فرایند های سیاسی اند. برای لاکلاو و موفه جامعه محصول گفتمان و مفصل بندی های گفتمانی است که ماهیتی سیاسی دارند. سیاست، مفصل بندی های خاصی را مبتنی بر عقل سلیم نمایش می دهد. در این رویکرد، هژمونی هیچ نسبتی با زیر بنا نمی یابد و یک عمل مفصل بندی است که

سیاست پژوهی
بررسی کیفی محتوای رابطه مردم به مثابه سوژه تاریخی و دولت جمهوری اسلامی ایران

1 Louis Althusser

مفاهیم و کردارها را اطراف اصول کلیدی، آن طور که عناصر مرکزی، طبیعی و یا یک دست به نظر آیند، نگه می‌دارد. لاکلاو و موفه معتقد به اولویت امر سیاسی بر امر اجتماعی اند؛ مراد لاکلاو و موفه از اولویت امر سیاسی آن است که ساختار و عمل اجتماعی محصول و برساخت سیاست توسط مفصل بندی خاص است. آن‌ها مدعی‌اند که روابط اجتماعی ساختی سیاسی دارند. گفتمان جامعه را می‌سازد ولی از آن جایی که طبق یک مفصل بندی خاص و با رویکرد و انگاره خاص خود، این ساختن و پیوستن صورت می‌پذیرد، پس ساخت جامعه به طور ماهوی یک عمل سیاسی است. در این رویکرد حتی سیاست باز تعریف می‌شود (ربانی خوارسگانی و میرزایی، ۱۳۹۳: ۴۲-۳۹). وضعیت ازجاشدگی که نتیجه تزلزل گفتمان حاکم و ناتوانی آن در هویت دهی به عوامل اجتماعی است، لحظه عاملیت و ظهور سوژه آفریننده است. در این وضعیت است که افراد عاملیت یافته و با گزینش گفتمانی ویژه، در بازسازی امر اجتماعی دخالت می‌کنند. این عاملیت و سوژگی سیاسی نقش تعیین کننده‌ای در رقابت های هژمونیک میان گفتمان های رقیب در وضعیت ازجاشدگی و غلبه یک گفتمان بر دیگر گفتمان ها، ایفا می نماید (دهقانی فیروزآبادی و عطائی، ۱۳۹۲: ۹۶)

لاکلاو و موفه در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی، گفتمان را کلیت ساختاردهی شده‌ای می‌دانند که از عمل مفصل بندی بدست، می‌آید (همان: ۹۰). گفتمان‌ها در ضدیت با هم شکل می‌گیرند. هر گفتمان دارای غیرهای متعددی است که تلاش می‌کند آن‌ها را طرد کند، اما نمی‌تواند آن‌ها را به طور کامل حذف کند. (کرمی قهی، ۱۳۹۰: ۴۲). براساس چرخه گفتمانی، گفتمان انقلابی در گذر زمان دستخوش تغییر و تحول می‌شود و در دوران های مختلف، بر سیما و مشربی متفاوت ظاهر می‌گردد. گفتمان‌ها مدام توسط فرایند حاشیه رانی و برجسته سازی، درصدد به حاشیه راندن و طرد گفتمان و مفصل بندی رقیب هستند و می‌کوشند تا عناصر گفتمانی خویش را برجسته کنند؛ لذا، همواره حالتی از رقابت و ضدیت و کشمکش میان گفتمان

ها وجود دارد. بنابراین همیشه این تصور وجود دارد که هژمونی گفتمان رقیب ممکن است از هم پاشیده شود. مواقعی که یک گفتمان هژمونیک می شود و ذهنیت سوژه ها و فضای جامعه را در سیطره خویش می گیرد، فضای اجتماعی که ذهنیت سوژه ها در چنبره خویش دارد برای افراد آن جامعه طبیعی و مبتنی بر عقل سلیم جلوه می کند. در نظریه گفتمان به این حالت «عینیت گفتمان» گفته می شود. عینیت همان رسوب گفتمان است، عینیت، خروجی تاریخی فرایندهای سیاسی و کشمکش ها است. عینیت همان هژمونیک شدن موقتی گفتمان غالب در ذهنیت سوژه ها و اجتماع و نمودی از کارآمدی است. در این حالت، گفتمان غالب است که رنگ انگاره های خویش را بر چهره جامعه می پاشد (ربانی خوارسگانی و میرزایی، ۱۳۹۳: ۴۳).

۳. پیشینه پژوهش

پژوهشی تحت عنوان تحلیل گفتمان انشقاق گفتمان اصول گرا به خرده گفتمان های جبهه پایداری و جبهه متحد اصول گرایی در انتخابات ۱۳۹۰ انجام شده است؛ نتایج تحقیق نشان می دهد که جبهه متحد اصولگرایی دال های شناور خود یعنی عدالت، معنویت، پیشرفت، خدمت رسانی، ارزشها، توسعه اقتصادی، اسلام و مقاومت را حول دال مرکزی ولایت شکل داده است. در مقابل جبهه پایداری انقلاب اسلامی دال های شناور عدالت، ارزشها، خدمت رسانی، مقاومت و عقلانیت را حول دال مرکزی ولایت مفصل بندی کرده است (آهنگر و همکاران، ۱۳۹۱). پژوهش دیگر، مربوط به مقاله ای با عنوان "تحلیل مضمون محتوای مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی" است. سوال اصلی تحقیق چیستی دال مردم در گفتار سیاسی بنیانگذار انقلاب اسلامی بوده که از روش تحلیل محتوای کمی با نرم افزار maxqeda استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ایشان در فرایند سیاسی و اجتماعی و نیز صحنه های مشارکتی و جمعی، افراد را به مثابه یک کل در نظر گرفته است و جمله معروف ایشان که "میزان

رای ملت است" تایید این نکته است که اشاره به ملتی دارد که از آگاهی و بصیرت سیاسی خاص معنوی اسلامی برخوردار است (جاویدی، بهروزی لک، ۱۳۹۵). پژوهش دیگری تحت عنوان " بررسی چگونگی تحول جایگاه مردم در گفتمان مسلط منورالفکران ایرانی دولت مشروطه تا حکومت رضا خان پهلوی می باشد. مولف با استفاده از روش تاریخی و گفتمانی به بررسی شکل گیری ماهیت سوژگی مردم در یک دوره تاریخی حساس در جامعه ایرانی می پردازد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که نگرش منورالفکران به مردم تغییر کرده و این گزاره که ملت نادان نیاز به تربیت دارد به محور سیاست گذاری فرهنگی و اجتماعی در دوره حکومت پهلوی اول درآمد. هر چند دولت مشروطه از همان اول با مشکلات فراوانی دست به گریبان بود؛ اما وقوع جنگ جهانی اول در تحول گفتار منورالفکران ایرانی نقش به سزایی داشت. در واقع جنگ تهدیدی علیه شاکله سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی بود و منورالفکران به هواداری از طرفین جنگ فعالانه در آن مشارکت داشتند. تجربه نافرمانی مردم نسبت به خواسته های آنها، موجب تغییر نگرششان نسبت به مردم شد، در نتیجه لزوم تربیت ملت و همراه ساختن مردم با برنامه های نوسازی با اتکا به استبداد منور پهلوی به اصلی ترین گزاره منورالفکران ایرانی تبدیل شد (زائری، ۱۳۹۵).

۴. عملی سازی تحلیل محتوا در پژوهش حاضر

در بررسی مفهوم مردم، ابتدا متن سخنرانی های دو رئیس جمهور به طور کامل پیاده شده است. سپس واحدهای معنایی مناسب و ضروری از متن سخنرانی ها استخراج شده است. در مرحله بعد بر اساس نگاه زمانشناختی - ساختاری به واحدهای معنای استخراجی، کلیت متن سخنرانی به چند دوره زمانی و معنایی طبقه بندی شدند. واحدهای معنایی هر دوره در بستر تاریخی خود قرار گرفته و روی هم رفته یک فرایند تاریخی از شکل گیری مفهوم ایران را بازنمایی می کنند.



در مرحله بعد، واحدهای معنایی هر یک از زمانهای استعاره ای در متن سخنرانی ها، براساس روش تلخیص و تشابه معنایی به همدیگر پیوند یافته و در یک زیر مجموعه قرار می گیرند. در مرحله بعد، از این مجموعه های معنایی کدهای موضوعی به دست آمده اند. هر یک از کدها نمایانگر تشابه معنایی و مفهومی چندین واحد معنایی بوده که در یک طبقه تعریف شده اند. این فرایند، برای هر دوره زمانی استعاره ای عملیاتی شده و ساختار مفهومی شکل گرفته در هر سخنرانی، در قالب مقولات مفهومی در زمانی، صورتبندی شده اند. در نهایت از طریق پیوند مقولات به نوعی الگوی زمانشناختی - معنایی از مفهوم مردم در سخنرانی های دکتر احمدی نژاد و دکتر روحانی در روز ۲۲ بهمن دست یافته ایم. در مرحله پایانی، نوعی مقایسه در زمانی از مفهوم مردم در نظر دو رئیس جمهور پرداخته شده است.

۵. جامعه آماری و نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل سخنرانی دولتمردان ایران (دکتر احمدی نژاد و دکتر روحانی) در جشن های ملی ۲۲ بهمن می باشد. انتخاب این سخنرانی ها با هدف فهم و تفسیر رویکرد گفتمانی -تاریخی دو رئیس جمهور به مقوله مردم و ماهیت مشروعیت حکومت می باشد. با تحلیل این سخنرانی ها می توان نوع نگاه دولت ها به مردم و جایگاه تاریخی و سیاسی مردم را در کلیت سیاسی جامعه ایرانی تبیین کرد و از طرف دیگر از طریق پیوند زدن با وضعیت تاریخی جامعه ایران، چگونگی تاثیر و اثر گفتمان دو رئیس جمهور و شرایط تاریخی جامعه ایران را مفهوم پردازی کرد.

روش نمونه گیری تحقیق به صورت هدفمند(نمونه گیری غیر تصادفی نظری) بوده است. با توجه به این که در مجموع دو رئیس جمهور بیش از ۱۲ سخنرانی در بیست و دوم بهمن داشته اند برای پرهیز طولانی شدن و امکان تفسیر دقیق از هر رئیس جمهور یک سخنرانی انتخاب شده است. به این ترتیب سخنرانی سال اخر دو رئیس جمهور

دردولت نهم و دهم (احمدی نژاد سال ۹۱-روحانی سال ۹۵) نمونه تحقیق حاضر می باشند. دلیل انتخاب این سال ها این است که اولاً هر رئیس جمهور در سال انتهایی کاری خود برداشت روشن تری از دستگاه گفتمانی خود به دست می دهد و ثانیاً این سالها نقطه اوج مسئله تحریم و برجام بین المللی و ظهور و زوال مسئله داعش می باشد که این مسائل سبب خودبازاندیشی مضاعف کلیت نظام سیاسی و در راس آنها رئیس قوه مجریه در مسئله ماهیت جایگاه مردم و بنیان های دموکراتیک نظام جمهوری اسلامی ایران می باشد. همچنین باید اضافه کرد که ترتیب حرکت از ریاست دکتر احمدی نژاد به ریاست دکتر روحانی بیانگر یک گردش مفهومی درسیاست ایران است که می توان از آن با عنوان گذر از دولت آخرزمانی انقلابی به دولت دیپلماسی محور نام برد و این گردش در بدنه اجتماع تاثیر های فراوانی داشته است.



۶. یافته های پژوهش:

أ. تحلیل سخنرانی دکتر احمدی نژاد سال ۱۳۹۱

واحد های فشرده معنا	کد گذاری	مقولات کلیدی
دوره فرا تاریخی تلفی از انسان به موجودی فرا تاریخی با فطرت الهی انسان موضوع تقابل تاریخ مادی و فطرت الهی -مسیر روحانی عبودیت و توحید پیامبران در تقابل با تاریخ اجتماعی ظلم و ناکامی	انسان در میان فطرت فرا تاریخی روشن و هستی تاریخ اجتماعی ظلم مایه	انسان واقعیتی فراتاریخی و الهی در بستر تاریخ اجتماعی ظلم مایه
تاریخ تا انقلاب عدم امکان شکوفایی فطرت انسانی در تاریخ تاریخ معاصر ایران به مثابه پیوند ظلم حاکمان درونی و استکبار جهانی پهلوی به مثابه تجربه طاغوت و خفت و عقب ماندگی برای مردم ایران مردم به مثابه کلیت واحد انقلابی	مردم ایران به مثابه روح الهی فرا تاریخی محصول انقلاب اسلامی تاریخ اجتماعی به مثابه دوگانه حکومت های سیاسی فاسد طاغوتی و ملت مظلوم الهی دیالکتیک بیداری فطری ملت ایران و حرکت عموم جهان در سایه انقلاب اسلامی	انقلاب بیداری فطری ملت ایران و بازگشت به اصل روحانی و خروج از تاریخ اجتماعی

پایه پژوهشی
بررسی کیفی محتوای رابطه مردم به مثابه سوژه تاریخی و دولت جمهوری اسلامی ایران

	<p>همشینی کلیت مردم و لحظه انقلاب</p>	<p>بیداری فطری و الهی شدن مردم ایران حاصل انقلاب اسلامی مردم ایران مسئول گسترش معنویت در جهان دیالکتیک بیداری فطری و حرکت جهانی در بستر انقلاب</p>
<p>تحریم دشمنان و مدیریت ضعیف دولتی دو دست آشکار توسعه نیافتگی آحاد مظلوم جامعه پس از انقلابی</p>	<p>سه دهه پس از انقلاب به مثابه مدیریت ضعیف اقتصادی دولت و توسعه نیافتگی جامعه ایران دولت مسئول رسیدگی به فقر ملت ناراضی ایران</p>	<p>دوره پس از انقلاب همشینی ملت و نظام در برابر تهدیدات سی ساله گذشته سه دهه دولت های ناکام در امر مدیریت اقتصادی زمینه ساز توسعه -وحدت ملی مهمترین سرمایه نظام در برابر دشمنان</p>



<p>فراخواندن ملت به مثابه سربازان فداکار دولت خدمتکار در لحظه هسته ای شدن ملت ، برنامه یارانه ای سازی و دور زدن تحریم ها در عرصه بین الملل .مردم به مثابه بنیان مشروعیت سیاسی و الهی نظام در لحظه انتخابات. مردم ایران پل پیوند دهنده نارضایتی عمومی و ظهور منجی صالح بشریت و پایان تاریخ</p>	<p>مردم به مثابه سربازان فداکار همپای دولت خدمتکار در نبرد هسته ای شدن و دور زدن تحریم ها و شکست دشمنان تعریف ایستا از ملت به عنوان آحاد مظلوم و خانواده های معمولی رعیت زاده و ناراضی مقابله با تحریم دشمنان و فساد نخبگان درونی عرصه فراخواندن ملت ناراضی مظلوم ایران در عرصه سیاسی تایید رای ملت به مثابه بنیان مشروعیت نظام و موتور حرکت جامعه و تقدس انتخابات مدیریت ضعیف، نارضایتی عمومی و ظهور منجی عرصه پیوند تاریخ جهانی و روح فراتاریخی الهی-اسلامی پایان یافتن تاریخ اجتماعی</p>	<p>دوره کنونی هسته ای شدن ملت ایران نشانه ظلم ناپذیری ملت هدفمندی یارانه های دولتی برنامه ای از سوی دولت به کمک ملت برای بهای هسته ای شدن شکست دشمنان در عرصه سیاست بین الملل از راه هسته ای شدن تعریف ملت با مولفه های حاد، متن، مظلومین، خانواده های معمولی و رعیت زاده دوگانه فقر و مظلومیت ملت و فساد سیران متجاوز به بیت المال دولت مسئول رسیدگی به فقر متن ملت تعریف ملت به مثابه نارضایان مظلوم که باید برای حل مشکل آنها میان دولت و مردم همکاری</p>
---	---	--

	مادی از مسیر انقلاب، انتخابات ملت ایران و ظهور منجی	مضاعف ایجاد شود رای ملت ایران به مثابهی موتور حرکت جامعه رد امکان مدیریت انتخابات، شبهه ای به مشروعیت سیاسی نظام ظهور منجی عدالت محور قرآنی برای پایان نارضایتی عمومی ملتها هم نشینی رای ملت ایران، نارضایتی عمومی و ظهور منجی و اتمام تاریخ
--	---	---

۱. بافت معنایی مردم در سخنرانی دکتر احمدی نژاد

در تحلیل مفهوم مردم در سخنرانی دکتر احمدی نژاد در وهله اول می توان یک فضای زمانی فراتاریخی تصور کرد که انسان به مثابه ذات الهی و روحانی مقرر شده در مسیر فراتاریخی عبودیت به سمت کمال تعالی خداوندی حرکت کند. هم نشینی مسیر فراتاریخی روحانی و ذات انسانی به گونه ای غیر قابل انفکاک از ابتدای تاریخ مادی اجتماعی بشر تا انتهای پیش بینی شده منجی گرایانه تداوم داشته است. اما باید اذعان کرد که انسان روحانی و مسیر فراتاریخی در ارتباط و درون تاریخ اجتماعی، زیست و پویایی داشته اند. براساس کدهای (انسان به مثابه ذات روحانی-خودآگاهی انسان در بستر توحید- نزول پیامبران برای صعود روحانی - تاریخ اجتماعی به مثابه زمستان ظلم و جهل) می توان چنین برداشت کرد که در سخنرانی دکتر احمدی نژاد لحظه شروع



هستی مردم ایران درآمیخته با ذات انسانیت روحانی است. مردم ایران به مثابه یک کلیت واحد میراث دار نطفه روحانی فطری انسان آغازین تعریف شده است. در واقع انسان آغازین و مردم کلیت های واحد قابل ارجاع به هم می باشد. در این مسیر دوگانه انسان ها، محل نبرد و تقابل دو نیروی تاثیرگذار هستند، نیروی روشنی بخش روحانیت و نیروی تاریکی و ظلم تاریخ اجتماعی. این تقابل و دوگانگی مسیر لحظه ی شروع شکل گیری مفهوم انسان در کل بشریت و اتصال یابنده به مردم ایران می باشد.

لحظه مهم بعدی که مردم ایران بگونه ای مستقیم فراخوانده شده و همنشین الهیت می شوند، لحظه انقلاب است. در واقع از کدهای به دست آمده (تاریخ معاصر ایران پیوند ظلم طاغوت و استکبار جهانی - بیداری فطری و الهی مردم حاصل انقلاب) می توان چنین برداشت کرد که مفهوم مردم ایران از لحظه شکل گیری اجتماعی بشر تا لحظه قبل از وقوع انقلاب در یک وضعیت تاریکی درونی، خفت و خواری قرار گرفته اند. در واقع تاریخ اجتماعی ایران تا قبل از انقلاب اسلامی ۵۷، امتداد تاریخ ظلم و تاریکی بشریت است. تاریخ پهلوی به مثابه دوره خفت و خواری مردم تحت تاثیر دو عامل حکومت سیاسی طاغوتی و استکبار جهانی، تاریک قلمداد شده است. اما لحظه انقلاب، لحظه فراخوانده شدن مردم ایران است. دکتر احمدی نژاد انقلاب اسلامی ۵۷ را پل اتصال مردم ایران با گذشته پاک طلایی انسانیت آغازین قلمداد کرده اند. انقلاب اسلامی ایران ، مردم ایران را به سمت الهیت و بیداری فطری هدایت کرده است. در لحظه انقلاب، مردم ایران به صورت کلیت آگاهی یافته ای قلمداد می شوند که از تاریخ اجتماعی درون پهلوی و کل جامعه گسست پیدا کرده و از تاریخ مادی خارج می شوند. بصیرت سیاسی الهی ، مشارکت اجتماعی دو میوه هم سنگر انقلاب اسلامی قلمداد شده اند.

لحظه دیگری که بر هستی مردم ایران اشاره دارد دوران پس از انقلاب اسلامی است. دکتر احمدی نژاد از لحظه پیروزی انقلاب تا روی کارآمدن دولت نهم را برای

یاسا پژوهی
بررسی کیفی محتوای رابطه مردم به مثابه سوژه تاریخی و دولت جمهوری اسلامی ایران

مردم ایران جایگاهی سیاسی تصور می کند. بر اساس کدهای (ملت ایران تمام فشارهای قدرت های استکباری- حرکت لاکپشت وار دولت ها- فقر احاد مردم) می تواند چنین استنباط کرد که مردم ایران در موقعیت بینابین فشارهای قدرت های استکباری و ناکامی دولت ها به گونه ای دو گانه تعریف شده اند. در یک طرف، مردم به مثابه کلیت آگاهی یافته در مقابل استکبار تاریخی جهان بیرون، همچنان متحد و الهی مانده اند و در طرف دیگر تحت تاثیر ناکامی دولت ها در امر توسعه به مثابه گروه های شهروندان دولتی تصور شده اند که از حق رفاه و عدالت دور مانده اند. اما آنچه که این دوگانگی را در طی این سه دهه کنترل و هدایت کرده، فداکاری مردم در سایه الطاف و الهی بوده است. وحدت همبستگی، بصیرت-عدالت مهمترین ارزشهای سیاسی ای است که حول محور مردم گرد می آیند.

در سخنرانی دکتر احمدی نژاد، بیشترین وزن معنایی متعلق به واژه مردم است. مردم در لحظات کنونی به مثابه پلی تصور شده اند که ابتدا و انتهای تاریخ غیر مادی و روحانی را به همدیگر پیوند خواهند داد و این پیوند از بستر شرایط حساس سیاسی ملت ایران در اثر تحریم دشمنان، مدیریت ضعیف و فاسد جوامع غربی گذر می کند. بر اساس کدهای (شکست دشمنان در عرصه هسته ای، ظلم ناپذیری مردم ایران، مردم ایران سربازان فداکار دولت خدمتکار در بحران هسته ای)، می توان چنین استنباط کرد که ملت ایران به مثابه کلیت واحدی تصور شده اند که در پشت دولت خود، در مقابل دشمن خارجی قرار گرفته اند. (مشارکت سیاسی و مشروعیت مردمی دو مولفه سیاسی هست که همنشین مردم و دولت شده است. تحت این تعریف از مردم، دولت به مثابه دستگاهی خدمتکار و مسئول متن اصلی جامعه که (گروه های غیر نخبه و مظلوم جامعه و آحاد جامعه) نامیده شده اند، می باشد. به زبان دیگر، همچنان که مردم در عرصه بین الملل به مثابه سربازان فداکار فراخونده می شوند، در عرصه داخلی به مثابه شهروندان سیاسی اما ناراضی در درون دولت توسعه گرا نمود می یابند. همبستگی و عدالت دو



مولفه ای است که با مردم ایران هم‌نشین شده است. در وهله بعدی مردم ایران، عرصه انتخابات را معنا می‌بخشد. بر اساس کدهای (رای ملت به مثابه موتور حرکت جامعه سعادت‌مند، حق رای مشروعیت سیاسی انقلاب و نظام، نارضایتی عمومی به خاطر مدیریت ضعیف، ظهور منجی عدالت محور قرآنی) می‌توان چنین استنباط کرد که مردم ایران به عنوان یک کلیت کامل در لحظه سیاسی مدرن یعنی انتخابات ریاست جمهوری فراخوانده می‌شوند. این لحظه سیاسی مدرن به مردم ایران هم جایگاهی سیاسی می‌بخشد که در نتیجه آن مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی را تحقق می‌بخشد. همچنین مردم ایران، به عنوان سوژه های فراتاریخی لحاظ می‌شوند که بناسست جامعه الهی ایران را از مسیر رای همگانی خود به منجی بشریت وصل کنند. (مشارکت سیاسی و بصیرت الهی مهمترین ارزشهای سیاسی تلقی شده که با مردم الهی -سیاسی ایران هم‌نشین شده اند). در واقع ملت ایران به عنوان سوژه های سیاسی معرفی می‌شوند که بناسست از طریق رفتار سیاسی مدرن، سه فضای سیاسی، تاریخی و الهی را در همدیگر جمع کنند. نکته عملی مهمی در سخنرانی دکتر احمدی نژاد در این لحظه بروز می‌کند و آن فرض وجود نارضایتی عمومی از سیستم سرمایه داری غربی و یکسان پنداشتن نظام سیاسی جوامع گوناگون خارجی است و این در لحاظ آوردن نگاه منجی گرایانه کمک شایانی می‌کند. برای توضیح مطلب می‌توان گفت که ابتدا مردم ایران با حضور در انتخابات ریاست جمهوری مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی را تثبیت می‌کنند و در مرحله بعد این عمل سیاسی کلیت مردم ایران، با نارضایتی عموم مردم جوامع بشری تجمیع شده و از طریق دیالکتیک آنها بشریت به منجی الهی پیوند یافته اند. تاریخ اجتماعی ظلم انسانی در بستر عمل سیاسی مدرن مردم ایران با اتصال به لحظه دینی و سنتی ظهور منجی، پایان می‌یابد.

به این ترتیب می‌توان گفت که مردم ایران در سخنرانی دکتر احمدی نژاد در آینده نزدیک هم جنبه مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی را تحقق می‌بخشد و هم به

عنوان سوژه های تاریخی تاثیر گذار تاریخ بشریت، عمل سیاسی و الهی را با هم ادغام کرده و تاریخ را به انتها رسانیده و به جامعه سعادت‌مند آخر زمانی رهنمون می شوند.

ب. تحلیل متن سخنرانی دکتر روحانی سال ۹۵

واحد‌های فشرده معنا	کدگذاری	مقولات کلیدی
<p>قبل از انقلاب</p> <p>تاریخ دو‌یست ساله ایران به مثابه</p> <p>نماد عدم تجاوز گری و صلح</p> <p>گرایی ملت ایران</p> <p>تاریخ دو‌یست ساله ایران به مثابه</p> <p>انبوه ظلم و استعمار خارجی</p> <p>عمل تاریخی مردم ایران برای تعیین</p> <p>سرنوشت تاریخی</p> <p>پیروزی اندیشه و جان بر گلوله در</p> <p>تاریخ دو‌یست ساله ایران</p> <p>انقلاب حرکتی در ظلم برای رهایی</p> <p>از ظلم قدرتمندان ظالم درونی و</p> <p>بیگانگان</p>	<p>مردم ایران و تاریخ ایران به</p> <p>مثابه سازندگان همدیگر</p> <p>برساخت مردم به مثابه یک</p> <p>کلیت تحول آفرین در لحظه</p> <p>انقلاب</p>	<p>-کلیت مردم ایران</p> <p>سرآغاز تاریخ</p> <p>اجتماعی ایران</p>
<p>انقلاب</p> <p>انقلاب گسستی اساسی و ضروری</p> <p>تاریخ در ایران</p> <p>مردم به مثابه یک کلیت فداکار در</p> <p>لحظه انقلاب</p> <p>انقلاب اسلامی درام معناداری که</p>	<p>کلیت مردم ایران مشروعیت</p> <p>بخش تاریخ خود از</p> <p>طریق دیالکتیک جمهوریت و</p> <p>اسلامیت</p> <p>-ضرورت انقلاب و گسست</p> <p>مردم از تاریخ گذشته</p>	<p>-کلیت مردم به</p> <p>مثابه ترازوی</p> <p>جمهوریت و اسلام</p> <p>-دیالکتیک</p> <p>جمهوری اسلامی</p> <p>به مثابه فرزند</p>

یاسات پژوهی

دوره چهارم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۶



۱۹۴

<p>تاریخ و مردم ایران</p>	<p>-مشروعیت سیاسی موضوع رابطه امام و مردم -دفاع از وطن به مثابه افتخار ایرانیان -ایران جایگاه ظلم و درام مردم و هر ایرانی سرباز فداکار مردم</p>	<p>زخم هایی شیرین را در مسیر انقلاب بر پیکر مردم ایران نهاد هدف از انقلاب شکل دادن جمهوری اسلامی بود جمهوری اسلامی فرزند انقلاب مردم و رای مردم بنیان مشروعیت سیاسی حکومت مردم بود -بسیج مردم به رهبری امام(ره) برای رهایی از تاریخ ظلم -فداکاری برای وطن افتخار مردم است</p>
<p>مسئله توسعه موضوع پیوند دهنده ملت پس از انقلاب و دولت های مشروع انقلابی</p>	<p>مقوله - توسعه مهمترین هدف ناکام مانده در دهه ۸۰ نفت و تحریم دشمنان ، افراط گرایی داخلی و عدم استفاده کامل از منابع نفت و گاز لحظه پیوند عوامل مانع درون زا و بیرونی توسعه مقوله- اعتماد اجتماعی راه کمال جمهوری اسلامی</p>	<p>پس از انقلاب تحریم ملت توسط دشمنان برای عقب نگه داشتن و مانع توسعه شدن خیانت امریکا در حق مردم ایران وابستگی به نفت مانع توسعه در دهه ۸۰ و لزوم استفاده صحیح منابع ملی پارس جنوبی برای پیشی گرفتن از قطر تنش محصول دو عامل دشمنان خارجی و افراط گرایان درونی که مانع توسعه بوده است. تداوم آرمانهای جمهوریت و اسلام در گذر زمان</p>

<p>کنونی</p> <p>تساهل فکری و حقوق شهروندی</p> <p>دو دست مردم و دولت برای حذف ویژه خواری</p> <p>اعتماد اجتماعی و راست کرداری</p> <p>دو دست مردم و دولت برای به دست آوردن اهداف توسعه ای</p> <p>قانون گرایی دولت رهنمون جامعه مدنی متکثر مهار کننده فساد</p> <p>برون رفت از بحران رکود و تورم اقتصادی و دیپلماسی تنش گریز</p> <p>موفق راهکار دولت توسعه گرا</p> <p>مسئله بین المللی هسته ای و اموال بلوکه شده محل تعامل و تساهل</p> <p>دولت و رهبری به مصلحت مردم</p> <p>تعریف از مردم به مثابه شهروندان ناراضی در حوزه فساد سیاسی و تصلب اجتماعی</p> <p>آینده نزدیک به مثابه آشتی ملی در جنبه جمهوریت نظام و انتخابات</p> <p>پیش رو-آینده دور، همراهی و اتحاد دولت - ملت - رهبری در عرصه توسعه</p>	<p>اعتماد اجتماعی و قانون</p> <p>گرایی دولت دو بال نظام</p> <p>برای حذف فساد و نیل به توسعه</p> <p>تساهل اجتماعی قانون محور</p> <p>مبین جامعه مدنی و دیپلماسی موفق تنش گریز</p> <p>هسته ای، عرصه فراخواندن دولت، رهبری و ملت به همکاری مضاعف</p> <p>فساد سیاسی و تعصب اجتماعی عرصه اصطکاک</p> <p>میان دولت و شهروندان ناراضی</p> <p>اتحاد و آشتی ملی از مسیر انتخابات، عرصه فراخواندن دولت و رهبری و ملت به سمت توسعه همه جانبه</p>	<p>دو - دو بال</p> <p>قانونگرایی دولت و تساهل اجتماعی</p> <p>قطب های جامعه رهنمون جامعه مدنی و حقوق شهروندان ملت.</p> <p>- اعتماد اجتماعی و دیپلماسی موفق</p> <p>تنش گریز عرصه فراخواندن دولت، رهبر و ملت به سمت آینده همراه با توسعه</p> <p>-کلیت ملت ایران به مثابه روح آگاه تاریخ رهنمون آینده جمهوریت نظام اسلامی</p>
---	---	---



۱. بافت معنایی مردم ایران در سخنرانی دکتر روحانی

در رابطه با بحث مردم، می توان سخنرانی دکتر روحانی را در یک رابطه دو گانه و هم زمان طولی تاریخی و عرضی ساختاری با کلیت حاکمیت ایران مورد تحلیل قرار داد. در تحلیل، مردم به سان قطاری تصور شده اند که در درون ریل های ایران در حال زندگی، زیست و جریان بوده اند. بر اساس کدهای به دست آمده مردم در ۴ دوره با ایران هم نشین شده اند. ۱- مردم قبل از انقلاب ۲- مردم در لحظات انقلاب ۳- دهه های پس از انقلاب و دوره کنونی. و در هر کدام از این مراحل، مردم در یک رابطه ساختاری با حوزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بین المللی تعریف و جایگاه ویژه ای را بدست آورده است. در خصوص دوره قبل از انقلاب مردم با کدهای (تاریخ دویست ساله مردم به مثابه ظلم) (عمل تاریخی مردم ایران برای تعیین سرنوشت به کمک ایران) (فوران مردم برای ظلم و ناعدالتی)، به صورت کلیتی تصور شده اند که این ظرف تاریخ اجتماعی که با رنگ ظلم، ناعدالتی، فساد سیاسی و اجتماعی عجین شده است، آنها را بر آن می دارد که به عمل کلی و سرنوشت ساز دست یازند. به زبان دیگر مردم سوژه های تاریخی تصور می شوند که رابطه واقعی با ساختار اجتماعی و تاریخی عصر خود، برقرار ساخته و با فهم بدی ها و آلودگی های مادی و ذهنی آن، به کلیت واحدی تبدیل شده که دست به تغییر تاریخ و سرنوشت خود می زنند. مردم در لحظات انقلاب، با کدهای (ضرورت انقلاب و گسست مردم از تاریخ گذشته)، (دیالکتیک جمهوری اسلامی)، (مشروعیت سیاسی موضوع رابطه امام و مردم با تاریخ خود) این موضوع را نشان می دهند که جامعه ایران در یک پروسه تاریخی مهمی قرار دارد. در این عمل تاریخی، مردم به مثابه کلیت آگاه، رابطه عاطفی، هوشمندانه و تاثیر گذاری را با رهبر انقلاب، حول موضوع مشروعیت سیاسی، ماهیت حکومت برقرار نمودند. در این لحظه تاریخی مردم و امام با مطرح کردن و ساختن جمهوری اسلامی پاسخ بحران مشروعیت در تاریخ دویست ساله خود را به گونه ای عملی مطرح کردند.

یاسا پشوی
بررسی کیفی محتوای رابطه مردم به مثابه سوژه تاریخی و دولت جمهوری اسلامی ایران

به زبان دیگر مردم در لحظه انقلاب گروه های متعدد اجتماعی ای هستند که برای گسست از تاریخ گذشته و حل بحران مشروعیت تاریخ سیاسی خود، به صورت یک کلیت واحد با امام و رهبر انقلاب رابطه ای جدی برقرار می کنند و ما حاصل این رابطه دو گانه مردم با تاریخ خود و امام خود، جمهوری اسلامی بوده است که جایگاه مردم در مشروعیت حکومت سیاسی را نمایان و عملی می سازد (جنبه مشارکت اجتماعی، آگاهی و آزادی سیاسی برجسته سازی شده است).

-لحظه بعد، دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا دولت روحانی (دهم) را شامل می شود. با توجه به کدهای به دست آمده (نفت، تحریم دشمنان، افراط گرایی داخلی و عدم استفاده کامل از منابع نفت و گاز و...)، توسعه مهمترین موضوعی است که دولت های مشروع جمهوری اسلامی و ملت ایران را در طول سی سال به هم مرتبط و همنشین کرده است. به زبان دیگر ملت ایران در طول سه دهه، دولت هایی را انتخاب کرده اند که رسالت اصلی شان محور توسعه و به ویژه توسعه اقتصادی بوده است. ملت ایران در این دوره تاریخی همچون مسافران در کشتی دولت متصور شده اند که قرار بوده است به سمت توسعه توسعه و رفاه سوق داده شوند. اما مسائلی نظیر جنگ تحمیلی، تحریم دشمنان و فساد گروهی از نخبگان، وابستگی به نفت و ... موانعی جدی در برابر این توسعه بوده اند. با این همه ملت ایران همچنان آرمانهای اولیه انقلاب (عدالت، آزادی) را در دولت های مختلف پس از انقلاب زنده نگه داشته اند و با هوشیاری در مقابل دشمنان، از کشور و وطن خود دفاع کرده اند. در این مسیر، گروه های فداکاری چون شهیدان دفاع مقدس، جانبازان، ایثار گران و ... پرورش یافتند. در این دوره مردم به مثابه جزء تصور شده و گروه های متفاوتی نظیر (روستائیان، شهرنشینان، مستضعفان، عوام، نخبگان، زنان و مردان و... لحاظ شده اند که در لحظه ایستادگی در مقابل دشمن، یک کلیت واحد را تشکیل داده اند.

لحظه ی بعد، مردم را با دوران کنونی ایران هم نشین می کند. در سخنرانی روحانی



لحظات کنونی نسبت به دوره های گذشته، از وسیع ترین فضای معنایی و ابعاد مفهومی برخوردار است. ملت ایران هم به مثابه جزء و هم به مثابه کلیت واحد؛ هم در ارتباط با دولت و هم در ارتباط با خود مردم، هم در ارتباط با فضای بین الملل و هم نخبگان درونی، هم گذشته خود و هم آینده خود تعریف شده اند. بر اساس کدهای (رانت خواری، تساهل و تعریف دموکراتیک) می توان چنین بیان کرد که روحانی در ابتدا مردم را به مثابه جزء تعریف کرده است. قائل شدن به تساهل و تعامل میان گروه های اجتماعی و حذف فساد از گروه نخبگان و مسئولان جامعه، نشان دهنده این است که دغدغه اصلی دولت وی، حذف ریشه های اجتماعی و سیاسی کند کننده توسعه یافتگی است. به زبان دیگر، تعصب اجتماعی و فساد نخبگان دو بال شکننده ملت ایران و دولت ایرانی محسوب شده اند که نتوانسته اند به قله توسعه راه پیدا کنند. در وهله بعدی، روحانی برای حل این مسئله بار دیگر از ملت ایران به مثابه جزء و دولت به مثابه کلیت سازمانی تنظیم کننده جامعه کثیر می خواهد برای رفع محدودیت مذکور مشارکت کنند. به این ترتیب، مردم در حوزه عموم به تساهل اجتماعی فراخوانده می شوند و دولت هم در عرصه سیاسی به قانون گرایی فساد ستیز فراخوانده می شوند. در این لحظه، جامعه مدنی با پشتوانه حقوق شهروندی به عنوان پل حوزه عمومی و دولت پا به عرصه می گذارد. مردم به مثابه مایه های اولیه جامعه مدنی، به عنوان گروه های اجتماعی گوناگون و در حال تعامل فرض گرفته شده اند که قرار است کشتی توسعه و استقلال ملی را به ساحل برسانند. با این همه این تمام ماجرا نیست، چراکه کند بودن حرکت توسعه علاوه بر عوامل درونی، عوامل خارجی نیز دارد و آن مسئله تحریم های بین المللی است. در این لحظه مردم به مثابه یک کلیت واحد فرا خوانده می شوند. در واقع هر گاه کشور در برابر بیگانگان قرار می گیرد، از مردم به مثابه کلیت یاد می شود. با توجه به کدهای (تعریف دموکراتیک از نظام- تنش زدایی و تعصب ستیزی انقلاب)، مقوله جامعه (دموکراتیک انقلابی و دولت تنش گریز دیپلماتیک) را راه حل قرار می

یاست پژوهی
بررسی کیفی محتوای رابطه مردم به مثابه سوژه تاریخی و دولت جمهوری اسلامی ایران

دهد. در این لحظه مردم به مثابه جزء شامل گروه های متفاوت آگاهی در نظر گرفته می شوند که قرار است همنشین دولت تنش گریز در عرصه دیپلماسی خارج از تعصب، از منافع ملی (هسته ای ،اموال بلوکه شده و...) دفاع کنند. (مشارکت و آزادی)

در آخر نیز برای مشروعیت دادن به رابطه سیاسی دولت و مردم در نظام جمهوری اسلامی، مردم به مثابه کلیت مشروعیت دهنده مطرح می شوند. در واقع روحانی مردم را کلیت واحدی تصور می کند که قرار است از طریق انتخابات مشروعیت سیاسی حکومت و سرنوشت تاریخ خود را بسازند. براساس کدهای (عقل جمعی مردم، رای نگیری، نمایش قدرت ملت)، مقوله (عقل تاریخی مردم و آشتی ملی و آینده پر امید) به عنوان پایان ادامه دار مردم ایران تفسیر می شود. به زبان دیگر مسائل درونی و فشار بین المللی از راه تصمیم و انتخاب ملت ایران و از پل آشتی ملی قابل حل تصور می شود. در این لحظه پایان بدون انتهایی برای تاریخ مردم ایران تصور شده و مردم به مثابه کلیت کثیری می مانند که در عین داشتن تفاوت های اجتماعی، مکانی، قومی، زبانی، فرهنگی و اندیشگی، در یک عرصه مشترک، مشارکت عملی کرده و با رغم زدن یک آشتی در سطح ملی، ایران را در یک فضای سه گانه دولت، مردم و رهبر، لباس کلیت می پوشانند.

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۶



۲۰۰

ج. الگوی معنایی و زمان مند مفهوم مردم در زبان سیاسی دکتر احمدی نژاد

محوریت زمان	مقولات محوری	کدها و ارزش های محوری
۶- آینده دور	پیوند نارضایتی عمومی جهانی و ظهور منجی صالح بشریت و پایان تاریخ از طریق فطرت الهی ملت ایران	مشروعیت الهی، عدالت، آزادگی و پایان تاریخ
۵- آینده نزدیک	مردم به مثابه بنیان مشروعیت سیاسی و الهی نظام در لحظه انتخابات ریاست جمهوری	مشروعیت سیاسی- الهی و بصیرت
۴- اکنون	فراخواندن ملت به مثابه سربازان فداکار دولت خدمتکار در لحظه هسته ای شدن و دور زدن تحریم ها- فراخواندن مردم به مثابه شهروندان ناراضی، مظلوم و رعیت زاده جهت همکاری با دولت خدمتگذار در جهت حذف فساد و هدفمندی یارانه های دولتی	بصیرت، مشروعیت سیاسی، همبستگی، مقاومت و عدالت
۳- پس از انقلاب	مردم ایران در میان فشار قدرت های استکباری و ناکامی دولت های توسعه محور سه دهه پس از انقلاب	بصیرت، همبستگی و عدالت

سیاست‌پژوهی
بررسی کیفی محتوای رابطه مردم به مثابه سوژه تاریخی و دولت جمهوری اسلامی ایران

۲-انقلاب اسلامی	بیداری فطری ملت ایران و بازگشت به اصل روحانی و طلایی دوران توحید پیامبری و آغاز خروج از تاریخ مادی	بصیرت، همبستگی، عدالت
۱-شروع هستی و تاریخ	بحث از نوع انسان به عنوان واقعیتهای فراتاریخی با فطرتی الهی در بستر تاریخ اجتماعی تاریک	تقابل بصیرت الهی و تاریخ تاریک

د. الگوی معنایی و زمان مند مفهوم مردم در زبان سیاسی دکتر روحانی

محوریت زمان	مقولات محوری	کدها و ارزش های کلیدی
۶-آینده باز	لحظه رای گیری- مردم ایران به عنوان روح آگاه تاریخ رهنمون وحدت رهبری، دولت و مردم به سمت سرنوشت باز کشور	همبستگی، مشروعیت سیاسی و عقلانی، اقتدار مردم
۵-آینده نزدیک	دیپلماسی موفق و رفع تحریم ها و برجام عرصه فراخواندن دولت، رهبری و ملت به سمت آشتی و تسامح ملی	توافق و اجماع عقلانی - مشروعیت عقلانی و عدالت
۴-اکنون	حقوق شهروندی، قانون گرایی، تسامح اجتماعی و فراتر رفتن از اقتصاد نفتی راه حل عبور از موانع توسعه	مشروعیت سیاسی، آزادی، تسامح اجتماعی، تکثر گرایی و رفاه

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۶



۲۰۲

مشروعیت سیاسی و رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی	الف- توسعه موضوع پیوند مردم پس از انقلاب و دولت پسا انقلابی ب- تحریم، فساد سیاسی و بی نظمی اقتصادی عرصه اصطکاک رابطه دولت و شهروندان	۳- پس از انقلاب
مشارکت اجتماعی، مشروعیت سیاسی، آزادی، عدالت اجتماعی و همبستگی	الف شکل گرفتن جامعه ایرانی در دل تاریخ با دو دست رهبر انقلاب و مردم ب- کلیت مردم به مثابه ترازوی جمهوریت و اسلامیت	۲- لحظه انقلاب
مشارکت اجتماعی، مشروعیت سیاسی، آزادی، همبستگی	کلیت مردم سرآغاز تاریخ اجتماعی ایران	۱- قبل از انقلاب

نتیجه گیری

جمهوری اسلامی ایران از لحظه شکل گرفتن اولین لحظات انقلاب در بهمن ۱۳۵۷ تا لحظه کنونی بر خصلت مردمی بودن و مشروعیت خود تاکید گذاشته و سعی نموده است این تاکید را در تمام حوزه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نمایان سازد. مفهوم مردم و مردمی بودن، جبهه اصلی نبرد هژمونیک جمهوری اسلامی ایران هم در حوزه روابط بین الملل هم در حوزه رقابت میان نخبگان سیاسی و اجتماعی درون نظام بوده است. با بررسی متن سخنرانی دو رئیس جمهور، می توان همچنان نشانه دوگانه های حساس و تاثیرگذار عدالت محوری-آزادی محوری، حق فردی شهروندی- همبستگی

امت و امامت، مشروعیت عقلانی - مشروعیت الهی، عقل تاریخی - بصیرت معنوی، در جهان بودگی - برای جهان بودگی و ... مشاهده کرد. دو رئیس جمهور ایران، با توجه به جریان گفتمانی خود، همواره سعی کردند در عین داشتن هر دو بعد دوگانه های مذکور، تحت تاثیر شرایط خاص اجتماعی ایران و فضای زبانی-سیاسی جامعه، بر یکی از دو بعد تاکید بیشتری داشته باشند.

حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه (عراق و افغانستان)، هشت سال دولت اصلاحات با گرایش لیبرالیستی و فرهنگ گرایی، شرایطی بوده اند که احمدی نژاد تحت تاثیر آنها به تشکیل دولت پرداخت. در چنین شرایطی محوریت قرارداد موضوعاتی چون: ۱- عدالت برای توده های فقیری که احساس می کرد طی هشت سال حکومت اصلاح طلبان به فراموشی سپرده شده بودند ۲- همبستگی ۳- بصیرت معنوی در برابر بیگانگان و نخبگان لیبرال غرب گرا، مهمترین فضای نمادین فراخواندن "مردم" به فضای سیاسی و فرهنگی کشور بوده است. از همین رو مهمترین ارزش های همنشین مردم در گفتار احمدی نژاد عدالت توده ها، اتحاد امت مظلوم و بصیرت سیاسی بود. از طرف دیگر می توان به شرایطی اشاره کرد که سبب گرایش روحانی به بعد مدنی بوده است. گسترش تحریم ها طی هشت سال دولت قبلی، بی نظمی و اختلاس در سطح بالای مدیریت اقتصادی و همچنین ظهور جریان جعلی داعش در مجموع شرایطی را فراهم کرد تا روحانی مردم را به ارزش هایی نظیر حقوق شهروندی، برابری در مقابل قانون، حق نظارت شهروندی بر اعمال دولت و تعامل با جهان غرب رهنمون سازد. به زبان دیگر، در زبان سیاسی روحانی، مردم کلیت اجتماعی - تاریخی پویایی هستند که از شعور تاریخی تکامل یابنده ای برخوردارند؛ مردمی که علاوه بر داشتن حقوق شهروندی از حق تصمیم گیری بر سرنوشت کلان کشور نیز برخوردارند.

جنبه دیگری که می توان افزود نگاه متفاوت دو رئیس جمهور به کلیت مردم به



عنوان سوژه تاریخی یا سوژه فراتاریخی است که در تناظر با انگاره متفاوت دو رئیس جمهور نسبت به ظرف تاریخ اجتماعی بشر است. دکتر احمدی نژاد با نوعی نگاه متعین گرا شروع هستی و لحظه تشکیل انسان آغازین را با نطفه الهی پیوند می زند. به گمان او انسانیت با نطفه الهی شروع شده ولی در گذر تاریخ در بند تاریک تاریخ اجتماعی خود ساخته، گرفتار شده است و ظهور انقلاب اسلامی نوید دهنده گسست از تاریخ اجتماعی تاریک بشریت است که هم زمان گذشته طلایی کل بشریت را به منجی آینده بشریت پیوند می زند. لذا، مردم ایران سوژه هایی فراتاریخی تصور می شوند که از طریق بصیرت و رهبری دولت خدمتکار، نطفه الهی بشریت را به منجی مقدس انتقال می دهند تا تاریخ ظلم بشریت را به انتها برساند؛ اما در زبان روحانی مردم در ظرف تاریخ اجتماعی و سیاسی گذشته و به ویژه دویست سال اخیر، به پویایی و عمل اجتماعی دست زده اند. مردم کلیت آگاهی هستند که در درون تاریخ زیست داشته، تحت تاثیر دشواری های آن قرار گرفته اند، ولی در عین حال از طریق امکاناتی که خود تاریخ برای آنها فراهم کرده، سعی داشته اند سرنوشت تاریخ اجتماعی خود را باز و نامتعین جلوه دهند. به زبان دیگر تاریخ اجتماعی نه سراسر خوب، نه سراسر بد، نه لحظه پایان خاصی دارد بلکه این مردم به مثابه سوژه تاریخی مدام در حال پیمودن راه طولانی و باز تاریخ هستند.

نکته انتهایی که می توان از آن به عنوان نقطه محوری این تفسیر اشاره کرد، دو گانه اجتماع مدنی و اجتماع متعهد است که بگونه ای در زبان سیاسی جامعه ایران از لحظه انقلاب مشروطه تا انقلاب سال ۱۳۵۷ و جنبش اصلاح طلبی تداوم یافته است. در زبان احمدی نژاد مهمترین ارزش های همنشین مردم (بصیرت، عدالت اجتماعی، همبستگی و مقاومت) است. این ارزش های اساسی در وضعیت خاص تاریخی ایران، مهمترین سرمایه ملتی است که همزمان باید از هجوم نظامی آمریکا به خاورمیانه (عراق و افغانستان) در امان بدارد و هم باید رسالت معنوی اتصال انقلاب اسلامی را به منجی

یاست پژوهی
بررسی کیفی محتوای رابطه مردم به مثابه سوژه تاریخی و دولت جمهوری اسلامی ایران

الهی برساند. در این راستا، می توان گفت که مردم به زندگی درون یک اجتماع متعهد فراخوانده می شوند؛ اجتماعی عاطفی و با بصیرت معنوی که زیر سایه دولتی خدمتگذار، توده مظلوم به همبستگی و اتحاد می رسند. با توجه به آن که دولت نماد و انعکاس روح ملت مظلوم و الهی است، خود دولت تا رسیدن منجی بشریت هدف و نقطه ثقل جامعه به حساب می آید. در نقطه مقابل، می توان گفت علی رغم وجود گرایش اجتماع گرایی متعهد در گفتار دکتر روحانی، اما گرایش اصلی او به اجتماعی مدنی است. در زبان روحانی مهمترین معضلات جامعه ایران زمانی رخ می دهد که نظارت مردمی و قانون گرایی کم رنگ شده است. رانت خواری، فساد اقتصادی، تعصب نخبگان سیاسی در داخل ایران و ظهور گروه تروریستی داعش در خاورمیانه شرایطی آورده است که لاجرم حقوق شهروندی مردم و حق نظارت فردی شهروندان به زندگی فردی و اجتماعی خود را ایجاب می کند. در زبان روحانی، مهمترین ارزش هایی که همنشین مردم می شوند، تسامح گرایی، حق شهروندی، قانونگرایی، نظارت بر دولت، آزادی فردی و حق تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی خود، می باشند. به زبان دیگر، مردم به درون یک اجتماع مدنی سیال، متکثر و قانونی دعوت می شوند. تسامح گرایی و قانون محوری دو بالی است که هم به زندگی فردی شهروندان و هم به زندگی سیاسی آنها به عنوان شهروندان دولت مردم سالار معنا می بخشد.



فهرست منابع:

أ منابع فارسی:

۱. احمدیان، مجتبی. و روح الله اسلامی. (۱۳۹۲). «نگرش سنجی رابطه دولت و ملت در ایران (روش شناسی کیو)». فصلنامه سیاست های راهبردی کلان. سال یکم، شماره چهارم.
۲. آهنگر، عباسعلی؛ سلطانی، علی اصغر و امیرعلی وشخونزادف. (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان انشقاق جریان اصولگرایی به خرده گفتمان های حبهه پایداری و جبهه متحد اسلامی در انتخابات ۱۳۹۰». پژوهش های زبان شناسی سال ششم، شماره یکم.
۳. برناردی، برونر. (۱۳۸۲). مردم سالاری. ترجم عباس باقری. نشر نی. چاپ اول.
۴. جاویدی، رقیه و غلام رضا بهروزی لک. (۱۳۹۵). «تحلیل مضمون محتوای مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی». فصلنامه سیاسی باقرالعلوم. شماره ۷۵.
۵. حافظ نیا، محمد رضا و دیگران. (۱۳۸۸). بازنمایی مفهوم ملت در فضای مجازی. جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای
۶. جلابی پور، حمیدرضا. (۱۳۸۸). «جامعه و دولت معاصر در ایران، تمهیدی نظری برای ارزیابی تکوین ملت-دولت». مجله جامعه شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۲.
۷. درخشه، جلال. (۱۳۸۳). «ابعاد حاکمیت کردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۳.
۸. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و مهدی عطائی. (۱۳۹۲). «گفتمان هسته ای دولت یازدهم». فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۶۳.
۹. ربانی خوراسگانی، علی و محمد میرزایی. (۱۳۹۳). «ایدولوژی، سوژه، هژمونی و امر سیاسی در بستر نظریه گفتمان». غرب شناسی بنیادی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره اول.
۱۰. ربانی خوراسگانی، علی و محمد میرزایی. (۱۳۹۴). «تحلیل تقابلی گفتمانی اصول گرایی و اصلاح طلبی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری». جامعه شناسی کاربردی. سال بیست و ششم، شماره چهارم.

۱۱. زارع، عباس. (۱۳۸۰). *مبانی مشروعیت و قدرت در جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۵۷) - ۱۳۷۵. چاپ اول. انتشارات موسسه فرهنگ و دانش.
۱۲. زائری، قاسم. (۱۳۹۵). «بررسی چگونگی تحول جایگاه مردم در گفتمان مسلط منورالفکران از دولت مشروطه تا به حکومت رضاخان». *مطالعات جامعه شناختی*. دوره ۲۳.
۱۳. سلیمی، حسین. (۱۳۹۴). «دولت ملت های مدرن و نسبت آن با منازعه». *فصلنامه دولت پژوهشی*. شماره ۲.
۱۴. کرمی قهی، محمد تقی. (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده». *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. شماره ۱۳.
۱۵. کسرای، محمدسالار و علی پوزش شیرازی. (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلا و موفه (ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی)». *فصلنامه سیاست*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹.
۱۶. مریان، محمد و مهدی بیگلو. (۱۳۹۱). «ارتباط مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی مشارکت در انتخابات)». *فصلنامه پژوهش نامه انقلاب اسلامی*. سال اول، شماره ۳.
۱۷. ویلیامز، مارک. (۱۳۷۹). «باز اندیشی در مفهوم حاکمیت: تاثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت»، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی. *نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*.
۱۸. کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۹۰). *ایران، جامعه کوتاه مدت*. ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی.
۱۹. کاظم پور، لقمان. (۱۳۹۶). «سیر تحول مفهوم شهروندی در دوران باستان». *ماهنامه پژوهش های تاریخی، اجتماعی و سیاسی*. شماره اول.
۲۰. سراجی، محمود. (۱۳۸۰). «حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*. سال پنجم.
۲۱. نصرتی نژاد، فرهاد. (۱۳۹۱). «ارائه چارچوبی بدیل برای ارزیابی تکوین مل - دولت (نقد و بررسی دیدگاه حمیدرضا جلایی پور)». *مجله جامعه شناسی ایران*. دوره ۳.



۲۲. بشیریه، حسین. (۱۳۹۴). «زمینه های اجتماعی بحران سیاسی در ایران معاصر(گسترش شکاف میان ایدئولوژی رسمی و کردارهای عمومی)»، فصلنامه رفاه اجتماعی. جلد ۴، شماره ۱۶.

ب. منابع انگلیسی:

23. Bellamy, Richard. (2008). *Citizenship: a Very Short Introduction*, Oxford: University pres.
- Martin, J. (2002). “The Political Logic of Discourse a Neo Gramscian View” *History of European Ideas*. 28.

